

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه جلسه گذشته ملاحظه فرمودید که مرحوم آخوند (قدس سره) در کتاب **کفایه** دو جواب از دلیل ششم اخباری‌ها، یعنی ادعای علم اجمالی به وقوع تحریف در قرآن کریم، بیان کردند؛ جواب اول این بود که ما علم به وقوع خلل در هر آیه آیه‌ای از قرآن نداریم و ما دمی‌که این علم نباشد، اصالة الظهور در هر آیه‌ای محکم است و برای ما معتبر می‌باشد. و در جواب دوم تنزل کرده و فرمودند: اگر کسی بگوید همین مقدار علم اجمالی مانع از جریان اصالة الظهور در هر آیه‌ای است، می‌گوییم چون روایات دالّ بر مسئله تحریم بیشتر مربوط به غیر باب آیات الاحکام است و آنچه که مورد ابتلائی فقیه است، فقط آیات الاحکام است، نتیجه این می‌شود که غیر آیات الاحکام از دائره ابتلا خارج است و نسبت به آیات الاحکام شبهه، شبهه بدوی می‌شود؛ و اصالة الظهور در آن بدون وجود معارض جاری می‌شود؛ یعنی با خروج غیر آیات الاحکام از محل ابتلاء، این علم اجمالی اثر خودش را از دست می‌دهد. تعبیر مرحوم محقق اصفهانی اعلی الله مقامه الشریف را نیز عرض کردیم که فرمودند اصلاً حجیت اصطلاحی به معنای ما یحتج به المولی علی العبد در غیر آیات الاحکام وجود ندارد؛ در آیاتی که اصلاً متضمن تکلیف نیست، حجیت وجود ندارد؛ حجیت فقط در آیات متضمن تکلیف است برای این که حجیت مربوط به مقام عمل و مقام مؤاخذه است. بنابراین، آیاتی که متضمن قصص قرآن است را نمی‌توانیم بگوییم ظواهر این آیات حجیت دارد؛ و یا آیات اعتقادی، که در آیات اعتقادی، مطلوب عبارت است از اعتقاد و کاری به مقام عمل ندارد.

در حقیقت، اگر بخواهیم مطلب را منظم‌تر ذکر کنیم، می‌گوییم غیر آیات الاحکام از دائره ابتلائی فقیه خارج است؛ به یکی از دو دلیل؛ **دلیل اول** : داعی بر تحریف، انگیزه تحریف و روایات مربوط به تحریف، غالباً در غیر آیات الاحکام است؛ بنابراین، غیر آیات الاحکام از دائره ابتلاء خارج می‌شود و آنچه که مورد ابتلائی فقیه است، آیات الاحکام می‌باشد که در آنها مسأله تحریف، خیلی مطرح نیست. **دلیل دوم** : یا این بیان را بگوییم و یا بیان مرحوم اصفهانی را بگوییم که دقیق‌تر از بیان اول است. در بیان اول، اصلاً به این نتیجه می‌رسیم که در آیات الاحکام تحریفی وجود ندارد، و دیگر نیازی نیست که مسئله علم اجمالی را مطرح کنیم؛ اما در بیان دوم، همه آیات در دائره علم اجمالی هستند، اما چون حجیت در غیر آیات الاحکام معنا ندارد، لذا آیات الاحکام در دائره ابتلاء باقی می‌ماند و غیر آیات الاحکام از دائره ابتلاء خارج می‌شود. و در اصول خواندیم که یکی از ابتکارات مرحوم شیخ انصاری اعلی الله مقامه الشریف این است که در باب علم اجمالی، ایشان اول کسی بود که اثبات کرد اگر بعضی از اطراف علم اجمالی از دائره ابتلاء مکلف خارج شود، علم اجمالی منجزیت خودش را از دست می‌دهد.

تکمیل کلام مرحوم آخوند: مرحوم آخوند در ادامه جوابشان، يك استدراکی دارند؛ می‌فرمایند آنچه که ما گفتیم - علم اجمالی منحل می‌شود و نسبت به آیات الاحکام اصالة الظهور جاری می‌شود - در جایی است که احتمال دهید نقص و نقیصه‌ای که در آیات هست، يك قرینه منفصله است؛ و این گونه از آن جواب دادیم؛ اما اگر احتمال دهید قرینه متصلی در کار است؛ یعنی بگویید قرینه متصلی در خود آیه بوده و پس از تحریف، ساقط شده و ذکر نشده است؛ در این صورت، ظاهر آیات الاحکام نیز برای ما حجیت ندارد و اصالة الظهور در آنها جاری نمی‌شود؛ زیرا، اصالة الظهور، در ظهور معلوم است و نه در ظهور مشکوک؛ یعنی در جایی که لفظ مسلماً در یک معنایی ظهور دارد، می‌گوییم « **کل ظاهر حجة** »؛ اما در اینجا که احتمال قرینه

متصله هست، دیگر ظهور معلوم قطعی نیست، و در ظهور مشکوک اصالة الظهور جریان ندارد. این هم استدراکی است که مرحوم آخوند دارند.

اشکالات کلام مرحوم آخوند اینجا چند مطلب به عنوان اشکال بر مرحوم آخوند وجود دارد؛ **اولین اشکال** این است که در کلام ایشان خلطی بین مسئله‌ی منجزیت علم اجمالی و بین حجیت اصالة الظهور و جریان اصالة الظهور واقع شده است. توضیحش این است که بله، ما در باب علم اجمالی قائل هستیم اگر بعضی از اطراف علم اجمالی از دائره ابتلا خارج شد، علم اجمالی منجزیت ندارد، - ما هم يك رساله مفصلي در همین نظریه مرحوم شیخ به مناسبت کنگره مرحوم شیخ نوشتیم که ظاهراً در سال 72، 73 در حوزه برگزار شد - اما این يك مطلب است و مسئله‌ی اصالة الظهور مطلب دیگری است؛ پشتوانه‌ی اصالة الظهور سیره و بنای عقلاست، ما باید به عقلا مراجعه کنیم و ببینیم عقلا آیا در چنین موردی اصالة الظهور را جاری می‌کنند؟ آیا در چنین موردی که آیه‌ی شریفه‌ای باشد و احتمال دهیم یا بگوییم قرائنی در مجموع قرآن بوده چه منفصلاً و چه متصلاً، و اینها ساقط و حذف شده‌اند، اصالة الظهور را جاری می‌کنند؟

پاسخ این است که عقلا در اینجا در هیچ آیه‌ای اصالة الظهور را جاری نمی‌کنند؛ فرقی هم بین قرائن متصله و منفصله نمی‌گذارند؛ شاهدش هم این است که اگر کتابی را پاره کنند، و قسمت باقی‌مانده را به دست کسی بدهند، آن را قبول نمی‌کنند؛ می‌گویند ممکن است در قسمت از بین رفته و پاره شده قرائنی بوده که مراد جدی متکلم را نسبت به قسمت موجود روشن می‌کرده و الآن که نرسیده بنابراین، مطالب موجود حجیت ندارد؛ و فرقی بین قرینه متصله و منفصله نمی‌گذارند. پس، عقلا در چنین موردی و نظائر این مورد که احتمال تحریف و حذفی نسبت به کلام متکلم داده می‌شود، اصالة الظهور را جاری نمی‌کنند؛ فرقی هم بین قرائن منفصله و متصله نمی‌گذارند. نتیجه اشکال اول این است که هر چند علم اجمالی منحل شود، اما باز نسبت به آیات الاحکام نمی‌توانیم اصالة الظهور را جاری کنیم؛ آنچه مانع اجرای اصالة الظهور در آیات الاحکام است، علم اجمالی نیست که شما بگویید علم اجمالی از بین رفت و بنابراین، اصالة الظهور و حجیت ظواهر را در آیات الاحکام جاری کنیم؛ بلکه اجرای اصالة الظهور روی بنا و سیره عقلاست، و عقلا در چنین موردی، اصالة الظهور را جاری نمی‌کنند.

اشکال دوم: این است که ما چطور غیر آیات الاحکام را از دائره ابتلاء خارج کنیم؟ اگر مقصود، بیان مرحوم محقق اصفهانی است که مرحوم محقق بروجردی نیز از آن تبعیت کرده‌اند، اگر در ذهن شریف‌تان باشد، در تفسیر حجیت، ما تفسیر مرحوم شیخ انصاری را اختیار کردیم که حجت و حجیت به معنای جواز الاسناد الي الشارع است؛ این که هر کاری را که می‌خواهیم انجام دهیم، بتوانیم به آن را به شارع اسناد دهیم؛ و مرحوم نائینی نیز از این بیان مرحوم شیخ تبعیت کرده‌اند. حال، به مرحوم اصفهانی می‌گوییم: اگر چنین باشد، هر آیه‌ای را بخواهیم به شارع اسناد دهیم، فرقی نمی‌کند از نظر عمل، برای ما مسئله عمل و مؤاخذه دنبالش باشد یا نباشد؛ ما می‌خواهیم ببینیم آیا این آیه را با وجود علم اجمالی به تحریف در قرآن، می‌توانیم به شارع اسناد دهیم؟ خیر، چنین چیزی امکان ندارد؛ لذا، این بیان مرحوم اصفهانی بیان تامی نیست؛ یعنی در حقیقت این اشکال، اشکال مبنایی می‌شود؛ مبنای شما که حجیت به معنای ما یصح الاحتجاج به فی مقام الذم و العقاب است و بعد می‌گویید آیات مربوط به اعتقادات و قصص ذم و عقاب ندارد؛ اینطور نیست که اگر بر خلافش عمل شود، معاقب بشود. این نمی‌شود؛ ما باید حجیت را طوری معنا کنیم که نمود در عمل مکلف در عالم خارج داشته باشد و هرچه غیر از این باشد، از حجیت خارج می‌شود.

آیه می‌فرماید «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»، حال، مکلف یا اعتقاد به توحید دارد یا ندارد؛ این از نظر عمل خارجی، بروز و نمودی ندارد؛ به مرحوم اصفهانی می‌گوییم روی حجیتی که شما معنا می‌کنید، این حرف درست می‌شود، اما روی حجیتی که ما قبلاً تفسیر کردیم به تبع مرحوم شیخ که حجیت به معنای جواز اسناد الي الشارع است، این مطلب درست نیست؛ هر آیه‌ای، چه آیات الاحکام و چه غیر آیات الاحکام، را باید بتوانیم به شارع و خدا اسناد دهیم، و در اینجا نمی‌شود. پس، بیان مرحوم اصفهانی اینجا برای ما مورد مناقشه است و قابل قبول نیست. نسبت به بیان اول، اگر کسی بخواد ببیند چرا مرحوم آخوند می‌گوید غیر آیات الاحکام از دایره ابتلائی فقیه خارج است؛ يك وجهش همین بیان مرحوم اصفهانی است؛ وجه دیگرش این است

که روایات مربوط به تحریف، معمولاً در مسائل امامت و در مسائل اعتقادی و در آنچه که داعی بر تحریف است، وجود دارد؛ که اشکال این وجه نیز آن است که در روایاتی که دیروز خواندیم، مسئله، مسئله اعتقادی نیست و بلکه مسئله جواز نکاح با یتامی است - وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانْكَحُوا ... - که گفتیم **أَي: فِي نِكَاحِ الْيَتَامَى** ؛ و نکاح ربطی به مسائل اصول و اعتقادات ندارد. تا اینجا کلام آخوند را ذکر کردیم، و مجموع کلام ما، به دو اشکال بر کلام مرحوم آخوند برگشت؛ اشکال اول این بود که بین مسئله علم اجمالی و مسئله اصالة الظهور در کلام آخوند خلط شده است؛ و اشکال دوم این است که برای اخراج غیر آیات الاحکام از دایره ابتلاء، ما دلیل روشنی نداریم. ادامه مطلب ان شاء الله روز شنبه. و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين.